

ضابطه تشریح قسامه و کارایی آن در عصر حاضر

چکیده

در عصر حاضر که به دلیل پیشرفت فناوری و مهارت‌های علمی و عملی متخصصان و کارشناسان رشته جرم‌شناسی، امر کشف جرم و مجرم تسهیل یافته است، تشخیص مرتکب قتل از طریق قسامه انتقاد بسیاری از حقوقدانان را دربرداشته است؛ لیکن دلیل اثباتی بودن قسامه و اجرای اماره مجرمیت یا برائت در مورد آن، بحثی است که از دیدگاه دین مبین اسلام به دلیل اهمیتی که به جان انسان‌ها و امنیت جامعه اسلامی قائل است، پذیرفته شده است. نتایج پژوهش پیش رو حاکی از این است که با وجود ارائه ادله‌هایی از سوی موافقان و مخالفان بکارگیری قسامه در عصر کنونی، در ایران ادله نوین جایگزین قسامه، هنوز اهمیت و جایگاه شایسته خود را نیافته است و از اینرو، ادله‌های نوین و جایگزین قسامه در قالب یک دلیل مستقل در قانون مجازات اسلامی احصا نگردیده‌اند؛ بلکه در قالب کارشناسی‌های تخصصی و به عنوان یک اماره قضایی می‌تواند در نهایت موجبات علم قاضی را پیرامون صحت و سقم موضوع مطروحه فراهم آورد و هنوز محاکم قضایی در شرایط لوث به قسامه توسل می‌جویند. نگارنده با روش توصیفی-تحلیلی در پی شناخت ضابطه تشریح قسامه و همچنین کارایی یا عدم کارایی آن با وجود ادله‌های نوین در عصر حاضر می‌باشد.

کلیدواژگان: ضابطه تشریح، قسامه، اماره مجرمیت، ادله اثبات

یکی از مباحث مهم و حساس در نظام‌های حقوقی، ادله و نحوه استناد و پذیرش آن جهت اثبات یا رد دعوی جزایی است، به نحوی که می‌توان گفت که بدون دلیل هیچ‌دعوایی سرانجام ندارد. به عبارتی دیگر احقاق عدالت کیفری در جامعه بدون داشتن یک نظام ادله اثبات کیفری کارآمد و جامع میسر نخواهد بود. در قانون مجازات جهت اثبات جرایم، ادله محدود و مشخصی احصا گردیده است. این در حالی است که با پیشرفت و گسترش علوم تجربی روش‌های علمی جدیدی برای اثبات جرایم پدید آمده است، که همگی آنها می‌توانند در کشف حقیقت و اقناع وجدانی قاضی مؤثر و کارا باشند. در ایران ادله علمی در قالب کارشناسی‌های تخصصی، می‌تواند موجبات اقناع وجدانی قاضی را به تحقق یا عدم تحقق جرم از سوی متهم فراهم نماید. مع‌الوصف؛ در فقه و حقوق موضوعه ادله اثبات جرم محدود به ادله سنتی شامل اقرار، بینه، قسامه (در صورت تحقق لوث برای اثبات قتل و جرح) و علم قاضی می‌باشد. لکن با پیشرفت و گسترش علوم تجربی در زمینه‌های مختلف، روش‌های علمی و تجربی جدیدی مانند پزشکی قانونی، انگشت‌نگاری، تشخیص هویت ژنتیکی، که همه در کشف حقیقت و حصول اقناع و وجدان قاضی و اتخاذ تصمیم عادلانه وی مؤثرند و می‌توانند به عنوان ادله جدیدی برای اثبات دعوی کیفری قرار بگیرند ولی از سوی دیگر التزام به شرع و قانون مقتضی تحصیل جواز استفاده از اینگونه دلایل برای اثبات جرم می‌باشد. از آنجایی که بسیاری از این ادله نوین در اعصار پیشین وجود نداشته‌اند بنابراین سببی برای بحث از تجویز یا عدم تجویز تمسک به اینگونه دلایل و نقش آن‌ها در اثبات جرایم وجود نداشته است. لکن در عصر حاضر با پیدایش شیوه‌های جدید کشف حقیقت (ادله نوین) بحث از جایگاه و کارایی ادله سنتی خاصه قسامه که موضوع پژوهش می‌باشد؛ در اثبات جرایم ضرورت پیدا کرده است که به تبیین و بررسی کارایی قسامه در عصر حاضر می‌پردازیم.

۱- مفهوم شناسی

نگارنده به منظور درک دقیق و همه‌جانبه موضوع مقاله، ابتدا به بررسی و تبیین مفاهیم اصلی موضوع پرداخته و هر کدام را به تفکیک بیان می‌دارد.

۱-۱- مفهوم دلیل

برخی از حقوقدانان در بیان مفهوم دلیل، اینگونه بیان نمودند: دلیل عبارت است از «هرشکل ابزاری که وجود یا عدم وجود عملی و یا درستی و یا عدم صحت ادعایی را اثبات کند» (آشوری، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۱). برخی دیگر نیز دلیل را هر وسیله قانونی دانسته‌اند که قاضی را در پیدایی واقعیت و به دست آوردن اقناع وجدانی و بکارگیری تصمیم و رای عدالت محور یاری بخشد (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ص. ۱۹۸).

۱-۲- مفهوم قسامه

در لغت، قسامه به معنای «قسم خوردن» (در معنای مصدری) یا «سوگندهای زیاد» (در معنای اسم مصدری) می‌باشد. فقها، چنانچه صاحب جواهر نیز تصریح کرده‌اند. (نجفی، ۱۳۶۲، ص. ۲۳۶) آن را در مورد دماء به کار برده‌اند و به دلیل کثرت قسم‌ها، به این نام (قسامه) خوانده می‌شود. قسامه در اصطلاح فقها عبارت است از سوگندهایی که بر اولیاء دم تقسیم می‌گردد. (حلی، ۱۴۰۲ ق، ص. ۱۵۴) و یا از طرف مدعی علیه (در صورت نکول مدعی) برای انکار آن ادا می‌گردد. قانون مجازات اسلامی، قسامه را در شمار ادله اثبات قتل و جرح مقرر داشته؛ اما تعریف جامعی از این تأسیس بیان ننموده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص. ۹۷۲)

۲- تبیین ضابطه تشریح قسامه و وضعیت قسامه در بستر زمانی کنونی

۲-۱- ضابطه تشریح قسامه

جایگاه اجرای قسامه در جایی است که فردی بی‌گناه به قتل رسیده و یا دچار جرح و زخم شده است و امکان اثبات قتل توسط متهم یا متهمان به واسطه بینه و شاهد، علم قاضی و دلایل دیگر وجود ندارد، لیکن اماراتی وجود دارند که شخص یا اشخاصی قاتل هستند و نیز امارات مذکور به صورت لوث می‌باشند و قطعی نیستند و سبب علم قاضی نمی‌شوند، زیرا در صورتی که قاضی با این اسباب علم پیدا نماید با توجه به علم خود می‌تواند حکم را صادر نماید و در صورتی که با دلایل دیگر بتواند حکم را صادر نماید نوبت به قسامه نمی‌رسد.

قسامه یک حکم استثنائی است که اسلام آن را متأخر از دیگر ادله اثبات دعوا دانسته است. مبرهن و آشکار است که اگر لوثی وجود نداشته باشد نمی‌توان به شخصی اتهام قتل را نسبت داد بلکه آنچه سبب متهم نمودن فرد به قصاص یا دیه می‌شود امارات و نشانه‌هایی است که نشان‌دهنده وقوع قتل است. اسلام به سبب اکرام و احترامی که به زندگی، حیات و ممانعت انسان قائل شده است خواستار وارد شدن ضرر نسبت به کسی نشده است، لذا معتقد است که در حق مدعی و اولیاء دم مقتول، در صورت قاتل بودن، مجرم باید به مجازات خود برسد و نسبت به مدعی‌علیه، در صورتی که به وی اتهام قتل به ناحق زده شود و وی تقصیری در قتل نداشته باشد، باید برائت حاصل شود. بنابراین توسط قسامه هر یک از دو طرف دعوا به حق خود می‌رسند و برای اینکه در این حکم خطا و اشتباه کمتر اتفاق افتد با اشتراط شرایطی در اجرای حکم سخت‌گیری به عمل آورده است. (تدین، ۱۳۸۸، ص. ۴۵)

یکی دیگر از ضابطه‌های تشریح حکم قسامه، برقراری نظم و امنیت در جامعه است چرا که تعداد جرایمی که ممکن است به خصوص در حوزه قتل و جرح رخ دهد در خور توجه است. لذا اگر قرار باشد که به احکام جزایی این جرایم توجهی مبذول نشود، بسیاری از مصادیق این گونه جرایم بدون حکم باقی می‌ماندند و جرئت و جسارت افراد در انجام این گونه جرایم رو به فزونی می‌گذاشت و ناامنی در جامعه ایجاد می‌شد. لذا اجرای حکم قسامه تأثیر به‌سزایی در کاهش ناامنی در جوامع دارد.

در روایات نیز به این اهداف اشاره شده است. با برشمردن برخی از این روایات با اهداف اسلام از تشریح قسامه آشنایی پیدا می‌کنیم. حلبی می‌گوید: از امام صادق (ع) درباره قسامه پرسیدم که چگونه است؟ حضرت فرمود: قسامه حق و نزد ما ثابت است و اگر چنین نبود، بعضی از مردم، بعضی را می‌کشتند و هیچ اتفاقی نمی‌افتاد و تنها قسامه است که باعث نجات مردم است (بروجردی، ۱۳۷۲، ص. ۳۲۳). ابن سنان می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: همانا قسامه به دلیل حفاظت مردم، تشریح شده است. با قسامه مراقبت از مردم شکل می‌گیرد تا اگر مرد فاجری دشمنش را دید، از ترس قصاص از او بگریزد. (طریحی، ۱۴۱۶ ق، ص. ۱۰۹)

۲-۲- وضعیت قسامه در بستر زمانی کنونی و پیشرفت‌های علمی

از جمله موضوعاتی که جزء قواعد فقهیه محسوب می‌گردد و در عین حال، در قانون مجازات اسلامی نیز مطرح شده است، موضوع قسامه است. فقهای امامیه این قاعده را رافع اتهام از متهم و مثبت جرم برای مدعی علیه می‌دانند. بر اساس روایات اسلامی، اجرای این قاعده موجب امنیت و آسایش جامعه و سبب احتیاط بیشتر در دماء و نفوس می‌باشد؛ البته، برخی از علما نیز تشریح قسامه را بر مبنای تعبد می‌دانند. در وجوه دوگانه قسامه اصل بر این است که قسم خورندگان در هر دو وجه از خویشاوندان ذکور نسبی باشند. نکته حائز اهمیت جواز تکرار قسم به متهم است. علت این جواز می‌تواند این باشد که چون اصل بر بی‌گناهی افراد است، لذا در طرف متهم، تکرار قسم جایز است. در جنایت بر مادون نفس اگر خویشاوندان ذکور نسبی وجود داشته باشند و حاضر به اجرای قسامه باشند، قسامه اجرا می‌شود، لکن در نبود خویشاوندان و یا حاضر نبودن به اجرای قسامه، هر دو طرف یعنی هم مدعی و هم متهم می‌توانند، تکرار قسم کنند. دلیل پیش‌بینی این امتیاز برای مدعی، ضمان اجرای خفیف‌تر قسامه در این موارد (دیه به جای قصاص) و نیز این نکته است که در اینجا، برخلاف قتل، مدعی شخص مجنی علیه است که قول او بیش از خویشان مدعی قتل (که قربانی مستقیم جرم نمی‌باشند) قابل پذیرش است، زیرا به عنوان مثال وی ممکن است ایراد جراحت علیه خود را با چشم دیده یا از خصومت دیگری با خود مطمئن و از این رو، حاضر به تکرار قسم به مقدار لازم باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص. ۴۰۹).

با ذکر این نکته می‌توان پی برد که شرع اسلام تا حد اعلی بر بی‌گناهی افراد و حسن نیت تأکید دارد اما در بستر زمانی کنونی با وجود تغییرات سبک زندگی و اولویت مادی‌گرایی به جای آخرت‌گرایی تشکیک به صداقت متهم و یا مدعی دور از تصور نیست.

امروزه گفته می‌شود با پیشرفت‌های دانش فنی، پزشکی و تصویری، دیگر جایی برای اجرای قسامه باقی نمی‌ماند؛ مثلاً اگر ولی دم مدعی باشد که مقتول را شخصی با سم یا وسیله الکتریکی یا تزریق هوا کشته است، ولی متهم منکر باشد، می‌توان با امکانات فنی و تصویری و آزمایشات پزشکی علت مرگ، نوع قتل و فرد قاتل را به صورت قطعی مشخص و ثابت کرد و ابهامی وجود نخواهد داشت. در پاسخ گفته می‌شود اگر این قرائن باعث اقرار متهم شود یا برای قاضی علم حاصل شود، دیگر نیازی به قسامه نیست و بر اساس اقرار متهم و علم قاضی حکم صادر می‌شود ولی اگر همه این موارد تنها ظن قاضی

را نسبت به اتهام تقویت کند، راه دیگری جز اجرای قسامه به عنوان یکی از دلایل اثبات جنایت باقی نمی‌ماند. در صورتی که علم و تکنولوژی‌های پیشرفته قرائنی ظن‌آور برای قاضی نباشد، به علت اینکه مورد از موارد لوث نیست، جای اجرای قسامه نمی‌باشد.

مع الوصف؛ علی‌رغم پیشرفت‌های بسیار در زمینه قانون‌نویسی در ایران، قانونگذار نتوانسته است تمام قواعد و چارچوب‌های قسامه را بیان کند و هنوز ابهاماتی در خصوص بحث لوث و نحوه اجرای قسامه در قوانین وجود دارد لذا اکثر قضات برای احراز تحقق لوث و نحوه اجرای قسامه در دادگاه‌ها باید به کتب فقهی در این زمینه مراجعه کنند (رازی زاده، ۱۳۸۰، ص. ۵۹).

همچنین قانونگذار بدون در نظر گرفتن پیشرفت‌های علمی کشف جرم و تجهیزات پیشرفته پلیس و دستگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی، کماکان قسامه را با بینش فقهی مطلق یکی از ادله اثبات دعوا در نظر گرفته است در حالی که قسامه که یکی از راه‌های ثبوت قتل است، در حال حاضر در محاکم و دادگاه‌ها خیلی کم‌رنگ و کم‌اهمیت دیده می‌شود و شاید در سالیان اخیر به تعداد انگشتان هر دست در استان‌های پرجمعیت و شلوغ کشور، پرونده‌هایی تحت عنوان قسامه وجود نداشته باشد. در مراجعه به آرایی که در دیوان عالی کشور و دادگاه‌های کیفری یک وجود دارد، مشاهده می‌شود در اکثر جلسات قسامه، در خصوص کیفیت اتیان سوگند و نحوه و شرایط قسم‌خورندگان در جلسه دادگاه بی‌توجهی وجود دارد. در واقع باید گفت اکثر دادگاه‌ها ذهن خود را به ارکان قسامه و لوث معطوف می‌کنند که این موضوع خود باعث اطاله دادرسی می‌شود.

۳- امکان‌سنجی یا عدم امکان اقامه قسامه در عصر حاضر

نگارنده امکان‌سنجی یا عدم امکان اقامه قسامه در عصر حاضر را در ذیل دو بند مجزا که شامل ادله موافقان و مخالفان کارایی قسامه در عصر کنونی می‌باشد تبیین نموده است.

۳-۱- امکان اجرای قسامه در عصر کنونی

۳-۱-۱- کارایی در قتل‌های مخفیانه

بعضی از حقوقدانان اعتقاد دارند در حال حاضر گسترش و ترقی تکنولوژی امکان ارتکاب جرائم خاصه بزه قتل به صورت مخفیانه با سرعت بیشتری افزایش یافته است. نکته قابل توجه این است که اگرچه کشف اماره‌ها و قرائن ظنی به نوعی تسهیل یافته است؛ لکن همیشه استفاده از تکنولوژی و مانیتورینگ (نظارت) زندگی افراد و حتی بکارگیری دستگاه‌های الکترونیکی برای کشف قتل‌های مخفیانه نمی‌تواند کارایی لازم را داشته باشد؛ چراکه ممکن است چالش‌های جدیدی برای اجرای عدالت و از بین رفتن حقوق شهروندی ایجاد نماید. بدین ترتیب یکی از کارآمدترین راه‌های اثبات این گروه از قتل‌ها است؛ مع الوصف؛ به سبب اینکه موضوع قسامه پابرجاست، حکم آن نیز قابلیت اجرایی دارد؛ بدین ترتیب با توجه به اینکه رویکرد دین مبین اسلام حراست از خون مسلمین می‌باشد؛ لذا نمی‌توان در کشف قتل‌ها تنها به ادله شهود و اقرار شخص اکتفا نمود (برگرفته از نرم افزار فقه جامع اهل بیت/نسخه ۲). با توجه و مداقه نظر در روایت‌هایی که از معصومین نقل گشته است؛ سبب تشریح قسامه، عدم بطلان خون مسلمانان است؛ یعنی در جایی که مسلمانی کشته شده است و ظن بر قاتل وجود

دارد، از مسلمانان معتقد و با شرایط خاصی پذیرفته شده است که برای اثبات ادعای خود، قسم یاد کنند و این، مخالف اصل برائت نیست؛ چراکه در این صورت هم ظن به قاتل بودن متهم وجود دارد، همچنان که درباره مجرمان دیگر نیز ابتدا به صورت اتهام است و در صورت وجود بینة و همچنین دلایل، بزه اثبات می‌گردد. مع الوصف؛ در خصوص ثابت شدن قتل، راهی خلاف اصل نیز پیشبینی گشته است؛ به عبارتی دیگر همچنان که شهادت ۲ شخص عادل قادر است که اثبات کننده دعوا باشد، سوگند ۵۰ یا ۲۵ مرد پیرامون دیه نیز با اوضاع و احوال ویژه قسامه، قادر است اثبات کننده دعوا باشد. گرچه موضوع احتیاط در دماء اقتضاء می‌نماید که ما نسبت به متهم نیز احتیاط نماییم تا خون وی بیهوده ریخته نشود، لکن می‌بایست اینگونه بیان نمود که، اوضاع و احوال اجرای قسامه به صورتی است که اگر تمامی آن شرایط رعایت گردد، جای هیچگونه شبهه و تردیدی نمی‌باشد که موجبات ثابت گشتن حقوق را فراهم می‌آورد. ناگفته پیداست که در این راستا، با مدنظر قرار دادن ضوابط اسلامی، حکم ارتکاب قتل نسبت به مرتکب اعمال می‌گردد. به بیان تفصیلی، اسلام پیرامون خون متهم نیز با جعل و قراردادن شرایط سخت برای قسامه، جانب احتیاط را رعایت نموده است. بعضی (رازی زاده، ۱۳۸۰، ص. ۳۴۰) معتقدند که قاضی گاهی بر اثر استفاده از علم خود ممکن است مورد سوء ظن قرار گیرد که با متهم سازش کرده است، در این گونه موارد لازم است قاضی برای رفع اتهام از خود، قسامه را اجرا نماید.

۲-۱-۳- کارایی قسامه در مصالح و منافع اجتماعی

گاهی مواقع مصلحت اجتماعی و منفعت جمعی اقتضای آن را دارد که قانونگذار امری را که ممکن است موافق اصول و قواعد مسلم حقوقی باشد یا نباشد مورد حکم قرار دهد. پیش‌بینی امارات قانونی در حقوق کیفری نیز بر اساس رعایت مصلحت و منفعت اجتماعی است، چرا که اگر به عنوان مثال امارات مجرمیت در قانون پیش‌بینی نشوند ممکن است تجری مرتکبین را در پی داشته باشد که منافع اجتماعی را به خطر خواهد انداخت، این در حالی است که اگر بالفرض متهم برای اثبات بیگناهی خویش کمی به زحمت بیافتد ممکن است از این تجری جلوگیری شود (اکبری و انصاری مقدم، ۱۳۹۱، ص. ۵۶).

۲-۳- ادله مخالفین عدم امکان اجرای قسامه در عصر کنونی

۱-۲-۳- عدم امکان اجرای قسامه بواسطه پیشرفت علم جرم‌شناسی

از دیدگاه این گروه، حکم قسامه نسبت به زمان‌هایی مقرر شده است که رشته علمی جرم‌شناسی هنوز به وجود نیامده بود و رشد امکانات و پیشرفت ابزارهای شناسایی جرم همچون انگشت‌نگاری، کالبدشکافی اجساد و شناسایی علت مرگ و دهها روش دیگر وجود نداشتند، اما امروزه پیشرفت علوم به کمک قاضی آمده و شناسایی مجرم به آسانی انجام می‌شود، بنابراین نیازی به اجرای حکم قسامه نیست، زیرا ممکن است با توجه به قسامه، حکم اشتباه و به خطا را صادر نمود (حسنی، ۱۳۸۸، ص. ۲۲). به عبارتی دیگر ادله علمی و الکترونیکی حاصل از فناوری های نوین بشری پیرامون علوم جرم یابی، پلیس علمی،

تحلیل داده پیام‌های رد و بدل شده میان مقتول و متهم از طریق پلیس سایبری و غیره مساعدت فراوانی به قاضی کیفری جهت نیل و حصول حقیقت می‌نماید (جدیدی سرای، انصاری و کلانتری درونکلا، ۱۴۰۱، ص. ۷۵).

در پاسخ به این دلیل می‌توان گفت که کسی منکر پیشرفت علوم و رشد ابزارهای شناسایی جرم نیست، لذا اگر قاضی بتواند از طریق این ابزارها و روش‌ها نسبت به مجرم و نوع جرم علم حاصل نماید، لزومی به اجرای قسامه نیست، زیرا با وجود علم، محلی برای اجرای قسامه باقی نمی‌ماند اما اگر نتواند حتی در صورت استفاده از ابزارهای نوین نسبت به نوع جرم و مجرم علم حاصل کند، تنها چیزی که باقی می‌ماند ظن نسبت به این امور است که محل لوث و اجرای حکم قسامه است.

۲-۲-۳- عدم امکان اجرای قسامه بواسطه اقامه سوگند ظنی و ناروا

قسامه حکمی است که در صورت وجود لوث که مبنای ظنی دارد واقع می‌شود. اشخاصی نیز که مبادرت به قسم خوردن می‌نمایند ممکن است از روی ظن مبادرت به قسم خوردن نمایند و حتی افرادی ممکن است به ناحق و از روی ستم، قسم را جاری نموده و یک شخص بی‌گناه را قاتل جلوه داده و یا یک شخص قاتل را از گناه بری نموده و در نتیجه حکم به بی‌گناهی وی صادر شود، بنابراین حکم نمودن توسط ظن و شک و حتی جهل افراد حکم به ناحق است. مؤید این مطلب ماده ۳۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که حتی اگر کسی شاهد ماجرا نباشد می‌تواند اتیان سوگند نماید. در پاسخ به گروه مخالفین باید خاطر نشان نمود که در ادامه همان ماده، ذکر شده است که اگر حالف علم به مورد سوگند داشته باشد کافی است، بنابراین علم حالف کافی است و حتی ماده ۲۰۴ به این نکته اشاره کرده و قطعیت و یقین را در حالف شرط می‌داند، بنابراین قسم خوردن از روی ظن نیست، بلکه کاملاً باید قطعی باشد. ماده ۳۴۱ بیان می‌دارد که اگر احتمال آن باشد که اداکننده سوگند، بدون علم و بر اساس ظن و گمان یا با تبانی سوگند می‌خورد، مقام قضائی موظف به بررسی موضوع است. اگر پس از بررسی، امور یادشده احراز نشود، سوگند وی معتبر است.

۳-۲-۳- عدم امکان اجرای قسامه بواسطه مغایرت با اصل براءت

برخی معتقدند قسامه قابلیت اجرایی ندارد و دلیلشان این است که قسامه با اصل براءت^۱ مغایرت دارد (بهرامی، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۸). در پاسخ می‌توان گفت بله در صورتی که لوث وجود داشته باشد در بحث قسامه اصل براءت نادیده گرفته شده و یا محدود می‌شود، اماره مجرمیت جایگزین اصل براءت می‌گردد. به عبارتی دیگر، مهم‌ترین مبنایی که می‌توان برای اجرای اماره مجرمیت و تقدم آن بر اصل براءت ذکر نمود تقدم امارات بر اصول است. چه اینکه اصل در موضعی جاری می‌شود که فرد در

۱ - در توضیح این اصل که به عنوان اصل اول از اصول عملیه تلقی می‌گردد، چنین گفته می‌شود هرگاه در مورد تکلیف واقعی از جهت حرمت و یا وجوب شک و تردید شود، اعم از این که شبهه موضوعیه یا شبهه حکمیه مورد شک باشد و دلیل معتبری هم بر حکم مورد شک پیدا نشود، اصل آن است که مکلف محکوم به براءت است، این را اصل براءت گویند (اکبری و مالمیر، ۱۳۹۶، ص. ۱۳).

شک و مردد بین احکام باشد، اما در صورتی که شک تبدیل به ظن گردد و آن ظن نیز توسط شارع تأیید شده و تبدیل به اماره شده است، در نتیجه در مقام عمل مقدم بر اصل است (مظفر، ۱۳۸۷، ص. ۳۷۴).

در حقوق کیفری نیز زمانی که قاضی می‌خواهد حکم را صادر نماید در مواردی که در مورد اثبات جرم، مردد است و شک دارد اصل برائت را جاری می‌کند، لیکن در صورتی که آمارهایی بر اثبات جرم وجود داشته باشد، قاضی می‌تواند با تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت، حکم را جاری نماید.

۳-۳- ابهام در خصوص کارایی قسامه در عصر حاضر

آنچه برگرفته از روایت‌ها می‌باشد این موضوع است که فلسفه تشریح قسامه این می‌باشد که خون مسلمان می‌بایست صیانت و حفظ گردد و هدر رفت آن جایز نیست. البته در صورتی که شرایط و اوضاع و احوال خاصی حاکم باشد که نتوان قاتل را با وجود شبهه یافت و حکم قسامه را اعمال کرد، در این شرایط هم خون مسلمان هدر نمی‌رود؛ چنان که امیرالمومنین پیرامون شخصی که در ازدحام نماز جمعه یا طواف فوت کرد، به عمر فرمودند: «خون مسلم هدر نمی‌رود؛ اگر قاتل شناخته شود، حق قصاص مطرح می‌شود. در غیر این صورت، پرداخت دیه بر عهده بیت المال یا اموال عمومی می‌باشد» (برگرفته از نرم افزار فقه جامع اهل بیت/نسخه ۲). با توصیف فوق، با این روش و دادن دیه، موجبات عدم هدر رفت خون مسلمین فراهم می‌گردد. از نظر حنفیان، الزام عصبه (بستگان) و عاقله قاتل به قسامه و در نهایت، پرداخت دیه، به سبب تقصیر آنان قبل از قتل در حفاظت از جان مقتول در موضع قتل است و نیز عدم حمایت از مقتول در مقابل ظلم جانی است. هم‌چنان که در قتل خطای محض نیز عاقله مسئول پرداخت دیه است؛ زیرا همان‌طور که منطقه‌ای که قتل در آن انجام شده، در تصرف آنان (اولیای دم قاتل) بوده و نفع عاید آنان می‌شود و نیز خراج و مالیات منطقه را دریافت می‌نمایند، مسئول پرداخت دیه‌ای که انسان در آنجا به قتل رسیده نیز می‌باشند؛ چراکه اگر منطقه به خوبی از سوی آنان حفاظت و حراست می‌شد، قتل اتفاق نمی‌افتاد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در فقه حنفیان، وجوب دیه با اجرای قسامه هدف اصلی قسامه نیست؛ بلکه هدف اصلی قسامه، سقوط مجازات متهم به قتل است؛ زیرا هر چند هنگامی اولیای دم قسامه را اجرا نمودند، دیه برای پیشگیری از هدر رفتن خون اثبات می‌گردد؛ لکن قسامه در خصوص مرتفع شدن افترای بزه قتل است و پرداخت دیه بدین دلیل است که شخص مقتول در بین آنها ظاهر گشته است. این مطلب در خصوص داوری که عمر اعمال نمود، شاهد این امر است: از سوی اولیای دم شخصی که به قتل رسیده به عمر اینچنین خطاب نمود: «هر دو امر را بخشش دهیم؟ (منظور مال و سوگند) عمر اینچنین گفت: «خونتان به قسمت‌تان وابسته است، اما اموالتان به خاطر آن است که شخص به قتل رسیده در بین شماها پیدا گشته و اگر هرکدام از عاقله شخصی که مرتکب قتل شده است، از اقامه قسامه جلوگیری کند، به زندان می‌رود تا مجری اجرای قسم باشد؛ به دلیل اینکه احترام به خون مسلمین دلالت می‌نماید؛ به همین علت تجمیع فی مابین دیه و قسم مقتضی است (الزحیلی، ۱۴۱۸ق، ص. ۳۹۹). برگشت و رجوع از قسامه همانند سکوت نمودن از قسم پیرامون اموال نیست؛ زیرا قسم در خصوص مال‌ها، جایگزین حق اصلی مالک مال است؛ از این رو، اگر فرد خواسته دعوا را اجابت نماید، قسم از بین

می رود؛ لیکن قسم‌های مربوط به قسامه با بخشش دیه قابل اسقاط نیست؛ به دلیل اینکه اصل قصاص می‌باشد و صرفاً اقامه قسامه قادر به اسقاط آن است و دیه قابلیت اسقاط آن را ندارد و مهم‌تر اینکه دیه جانشین اقامه قسامه نمی‌باشد و قابلیت بدل آن را نیز ندارد (برگرفته از نرم‌افزار فقه جامع اهل بیت / نسخه ۲). در جواب به معتقدان اجرای قسامه در راستای پیشگیری از متهم گشتن مقام قضایی به شکل احتیاط نیز می‌بایست این چنین جواب داد: ابتدائاً اینکه علم قاضی باید از طرقی به دست آید که قابل اثبات و بیان باشد و در این صورت، جای سوء ظن باقی نمی‌ماند؛ ثانیاً وقتی قاضی به علم خود عمل می‌کند و قسامه را احتیاطاً اجرا می‌کند، در این مورد قسامه به عنوان دلیل نیست، بلکه برای رفع شبهه و تهمت است یعنی قسامه برای اثبات اصل قتل نیست که با علم قاضی جمع شده باشد؛ ثالثاً در صورتی قاضی می‌تواند قسامه را اجرا کند که موضوع قسامه که ظن است، موجود باشد. اگر قاضی علم به موضوع داشته باشد، موضوع قسامه که ظن است از بین می‌رود و در این صورت، اجرای قسامه، لغو و بی‌اثر خواهد بود.

از جمله دیدگاه‌هایی که معتقدند قسامه خلاف قاعده است، دیدگاه مرحوم صاحب جواهر است که بیان می‌دارد: «قسامه خلاف قاعده است و خلاف قاعده بودن آن به چند دلیل است: اول اینکه طبق قاعده، یمین بر منکر است، ولی اینجا مدعی قسم می‌خورد. دوم آنکه در باب قضا هر جا قسم لازم باشد، تنها یک قسم است، ولی اینجا پنجاه قسم است. سوم آنکه در باب قضا علی القاعده منکر برای حقانیت خود قسم می‌خورد، ولی در باب قسامه قسم‌خوردگان برای اثبات حق دیگری قسم می‌خورند. چهارم اینکه طبق قاعده اگر منکر امتناع کند، موجب اثبات ادعای مدعی یا سقوط حق وی می‌شود، ولی در قسامه امتناع مدعی موجب می‌شود که مدعی علیه، اقامه قسامه کند» (نجفی، ۱۳۶۲، ص. ۲۳۰).

حال اگر مراد از قاعده این باشد که در تمام ملل اعم از اسلامی و غیر اسلامی در دعاوی حقوقی و کیفری دلیل و بینه به عهده مدعی است و در صورت فقد بینه، منکر قسم یاد می‌کند یا اینکه با اقرار مدعی علیه، دعوی ثابت می‌شود و روایت برید بن معاویه که می‌فرماید: در همه حقوق بینه بر مدعی و قسم بر مدعی علیه است (حرّ العاملی، ۱۴۰۹ق، ص. ۱۵۲) یا در روایت ابن بصیر که می‌گوید خداوند در مورد اموال شما حکم کرده که بینه بر مدعی و قسم بر مدعی علیه است (حرّ العاملی، ۱۴۰۹ق، ص. ۱۵۳). در این صورت حق با کسانی است که مدعی هستند قسامه بر خلاف قاعده است؛ ولی اگر قاعده را عبارت از حکم خدا بدانیم که امام صادق (ع) در دو روایت فوق اشاره نموده‌اند، در این صورت باید گفت همان طور که اثبات دعوی با بینه مدعی و رفع آن با قسم مدعی علیه، قاعده و قانون است، در مورد قتل و خونریزی اثبات ادعا با شرایط خاص به وسیله اقامه قسامه، خود یک قاعده و قانون است، زیرا که امام صادق (ع) می‌فرماید: در همه حقوق، بینه بر عهده مدعی و قسم بر عهده مدعی علیه است، مگر در قتل و خونریزی و یا در روایت ابن بصیر از امام صادق (ع) که می‌فرماید: خداوند در دماء شما حکمی غیر از حکمی که در مورد اموال است، دارند و در اموال شما حکم کرده که بینه بر مدعی و یمین بر عهده مدعی علیه است و در دماء بینه بر عهده مدعی علیه و قسم بر عهده مدعی است (حرّ العاملی، ۱۴۰۹ق، ص. ۱۵۲). در واقع طبق روایات فوق، امام صادق (ع) حکم واقعی و الهی را بیان می‌کند و این حکم اصلی و اولی

است نه اینکه حکم ثانویه باشد و منشاء همه این روایات عمل پیامبر(ص) است که در جریان خیبر ابتدائاً از مدعیان بینه خواستند.

۱-۳-۳- قسامه طریقت منظور شارع

یکی از شبهات جدی در بحث قسامه آن است که اگر در قسم خورندگان وجود علم شرط است، چرا به شهادت دو نفر از ایشان اکتفا نشود؟ ممکن است در جواب گفته شود فرض تمسک به قسامه در مواردی است که هر پنجاه نفر حالف، از فساق باشند که در این صورت شهادت ایشان پذیرفته نخواهد بود، لکن برخی با بعید دانستن این فرض، در جهت حل اشکال مزبور گفته‌اند: اگرچه در قسم، علم و قطع به متعلق قسم شرط است و ظن کافی نیست اما همین که منشأ قطع به متعلق قسم، مبادی حدسی باشد، کافی است؛ اگرچه این‌گونه علم در مورد شهادت پذیرفته نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ص. ۳۴۶).

سوگند قسامه از روی حدس قطعی و بر اساس لوث است، در نتیجه همان‌طور که می‌توان به افراد کم اکتفا کرد، می‌توان به افراد زیاد نیز اکتفا نمود و همین برای ترس و نگرانی فرد فاسق کافی است تا برای حفظ جاننش به جنایت دست نزند؛ در غیر این صورت می‌توان گفت چنان‌که شارع اهتمام به جلوگیری از وقوع جنایت دارد، به حفظ جان متهم نیز اهتمام می‌ورزد و این‌گونه نیست که حفظ جان او از اهمیت کمتری برخوردار باشد. وانگهی فراهم آوردن پنجاه نفر برای قسامه با فرض لوث و وجود تهمتی از قبیل دشمنی و غیره میان متهم و مقتول فرض نادری نیست، خصوصاً که در قسامه شرط نشده که علم متصدی سوگند علم حسّی باشد بلکه کافی است سوگند خورنده و ثوق به قتل داشته باشد هرچند به صورت حدسی (حقیقت‌پور و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۸۶).

۲-۳-۳- موضوعیت قسامه

یکی از مسائل مطرح در اصول فقه، بحث حجیت قطع است. «قطع» گاهی به عنوان طریق برای حکم است و گاهی در موضوع حکم اخذ می‌شود، آنجایی که به عنوان طریق باشد، هیچ فرقی بین اینکه قاطع چه کسی باشد و مقطوع به چه چیزی باشد، با چه وسیله‌ای یا از چه راهی حاصل شده باشد، وجود ندارد و شارع نیز نمی‌تواند از عمل به آن نهی نماید زیرا در این صورت تناقض پیش می‌آید. لکن گاهی قطع موضوعی است، یعنی آن قطعی معتبر است که از راه خاص یا شخص خاص یا به وسیله خاص به دست آمده باشد، مثل آنچه که اخباریون بیان کرده‌اند در مورد عدم جواز عمل در شرعیات به حکمی که از غیر کتاب و سنت بدست آمده باشد؛ مثل آنچه که بعضی از فقها از منبع عمل قاضی به علم خود در حقوق الله بیان داشته‌اند. از طرفی اماره دلیلی است که به لحاظ حکایت و کاشفیت ظنی آن از واقع، معتبر دانسته شده است، بدین معنا که ظن نوعی برآمده از اماره، همچون علم، حجت شمرده است؛ البته با این تفاوت که حجیت ظن، جعلی و اعتباری است (مظفر، ۱۳۸۵، ص. ۱۶). اماره با اصل عملی و دلیل نیز متفاوت است. اماره به لحاظ حکایت و کشف از واقع هر چند به طور ناقص، حجت است، درحالی‌که در حجیت اصل، حیث کاشفیت آن از واقع لحاظ نشده است. دلیل نیز اعم از قطعی و

ظنی است، در حالی که اماره، تنها، دلیل ظنی است. از این عنوان در اصول فقه، بخش مباحث حجّت سخن رفته است. از اماره به دلیل اجتهادی و از اصل عملی به دلیل فقهاتی نیز تعبیر شده است.

اسلام قسامه را در ردیف سه دلیل دیگر (بینه، اقرار و علم قاضی) که در امور جنایی برای اثبات دعوا به کار رفته، قرار داده است. در این بحث، موضوعی که اهمیت دارد این است که آیا ترتیب میان ادله‌ی چهارگانه وجود دارد یا خیر و منظور از ترتیب ادله‌ی چهارگانه چیست؛ به عنوان مثال هرگاه در موردی قاضی علم دارد حق با مدعی است، آیا می‌تواند قسامه را اجرا کند یا با بودن علم، حق اجرای قسامه را ندارد؟ آیا قسامه در طول سه دلیل دیگر است یا در عرض آنها؟ در اصطلاح اصول فقه، اماره به آن دلیلی می‌گویند که طبق قول مشهور دارای جنبه طریقت و کاشفیت از واقع باشد و در مقابل آن، اصل عملی است که کاشفیتی ندارد و تنها وظیفه‌ی انسان را در حال شک، برای خروج از حیرت و بلا تکلیفی تعیین می‌کند (مظفر، ۱۳۸۵، ص. ۱۴۱). دلایلی موجود است که قسامه دلیل ظنی معتبر است نه اصل عملی عقلی؛ یعنی جنبه طریقی برای قطع و کشف حادثه واقع شده در صورت عدم وجود سایر ادله را دارد.

۱- در صحیحہ برید بن معاویه عجللی، امام صادق^(ع) فرمود: در همه حقوق بینه بر عهده مدعی و یمین بر عهده مدعی علیه است، مگر در خصوص قتل و خونریزی، که بینه به عهده مدعی علیه و قسم بر عهده مدعی است (حرّ العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص. ۱۵۲). از این روایت این مطلب برداشت می‌شود که راه اثبات تمام دعاوی اعم از حقوقی و کیفری به این شکل است که مدعی باید بینه اقامه کند و از سوی دیگر قسم متوجه منکر است، مگر در قتل و خونریزی که برعکس است.

۱- در صحیحہ ابی بصیر آمده است که امام صادق^(ع) فرمودند: خداوند در خون شما به گونه‌ای حکم کرده که در مورد اموال شما حکم نکرده، در اموال حکم کرده که بینه بر مدعی و قسم بر مدعی علیه است و در خون شما حکم کرده که بینه بر مدعی علیه و سوگند بر مدعی است (حرّ العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص. ۱۵۳). در این روایت امام صادق^(ع) می‌فرمایند که حکم الهی در دماء این است و همین نشانه دلیل ظنی معتبر قسامه است؛ به عبارت دیگر اساس دلیل ظنی معتبر همین مطلب است که دلیل ناظر به واقع باشد و از سوی دیگر روایت متضمن مقایسه قضاوت بین اموال و قتل و خونریزی است و هر دو (بینه و قسامه) را در عرض یکدیگر گذاشته و به خداوند متعال نسبت داده است.

حال با عنایت به روایات فوق می‌توان چنین برداشت نمود که اولاً قسامه معتبر است و جزو دلایل اثبات دم (قتل و جرح) به حساب می‌آید. ثانیاً بینه قوی‌تر از قسامه است و لذا پیامبر اکرم^(ص) ابتدا فرمودند: بینه بیاورید، بعد از آنکه بینه نداشتند، فرمودند: قسامه را اجرا کنید. این برخورد حضرت دلالت دارد که بینه در صورت حضور گواهان از اجرای قسامه بهتر و مقدم بر آن است؛ ولی این تقدم بدان گونه نیست که قسامه در طول بینه قرار داشته باشد. ثالثاً قسامه در عرض بینه قرار دارد و در صورت اجرای قسامه، همان‌گونه که بینه در نزد خداوند متعال ادعا را ثابت می‌کند، قسامه نیز واقعاً ادعای مدعی را ثابت می‌کند؛ یعنی قسامه مانند بینه ناظر به واقع است و این امر به خداوند نسبت داده می‌شود (ناظریان و محمدی نیا، ۱۳۹۹، ص. ۳۶).

می‌توان ادعا کرد که قسامه دارای نوعی کاشفیت و طریقت در مورد واقع است و اگر در آن ادله دقت بیشتری شود، مشخص می‌گردد که قسامه ذاتاً طریقت و کاشفیت از واقع دارد چرا که پنجاه مرد یا کمتر همگی از مطالب واحدی خبر می‌دهند و به اسم خداوند متعال سوگند ادا کنند که قتل را شخص خاصی انجام داده است.

علاوه بر آن قاضی نیز قبل از اقامه قسامه، ظن متأخم به علم پیدا کرده که اتهام متوجه متهم است، دلیل بر آن است که قتل را شخص متهم مرتکب شده است و این امر بر اماره بودن قسامه دلالت دارد. در نهایت باید چنین گفت که مجموع و خلاصه روایات و متون قسامه می‌تواند به عنوان متمم لوث و در کنار لوث محسوب شود. هرگاه همه این قراین به همراه قسم‌هایی که خورده می‌شود در کنار هم قرار گیرند، این مجموع همچون اماره کاشف از واقع خواهد بود.

نتیجه گیری

با توجه به موارد عنوان شده در مقاله پیش رو اینگونه نتیجه گیری می گردد؛ با تاکید بر روایت هایی که پیرامون موضوع وجود دارد و مورد مذاقه قرار گرفته است این است که قسامه در پیشینه تاریخی دادرسی اسلام تأسیسی مشروع و معتبر بوده است؛ لکن ارزش و اعتبار آن منوط به احراز شرایطی بود که در صورت عدم اجتماع کلیه شرایط مزبور، مقام قضایی مجاز به بکارگیری از آن نبود. من جمله آن شرایط، لوث می باشد که عبارتند از امارات قضایی محکم بر ورود اتهام قتل به شخص متهم. یکی از شروط دیگر، احراز علم و یقین سوگند خورندگان برای مقام قضایی می باشد و حتی تردید آنان در این خصوص کفایت نمی نماید. با مذاقه در آنچه بیان گردید، در حال حاضر تأسیس قسامه قادر به پاسخگویی کامل خلأها و ابهامات موجود در امور قضایی نمی باشد و نیازمند بکارگیری طرق مکمل در این راستا می باشیم. با توجه به اوضاع و احوال موجود که مردم غالباً در اثر حب و بغض و بعضاً شرایط نامناسب اقتصادی، بدون در نظر گرفتن واقعیات، قسم یاد می کنند، مقامات قضایی محاکم کیفری زمانی که ادله محکم بر ارتکاب قتل از سوی متهم ندارند؛ مانند عدم وجود آگاهی اشخاصی که قسم یاد می نمایند که منطبق با قانون مجازات اسلامی ایران، صرف آگاهی و اطلاع فرد بدون اینکه شاهد ارتکاب بزه بوده باشد نیز در برخی از شرایط پذیرفته شده، به نظر می رسد بکارگیری قسامه در این موارد جایز نیست. لذا نباید بدون محرز شدن این موضوع که اولیای دم از روی علم و یقین قاطعانه ادای سوگند می نمایند، متهم را با استناد به چنین قسامه ای محکوم به قصاص یا پرداخت دیه نمایند و احتیاط در دماء را که مورد عنایت و تاکید مؤکد شرع اسلام است، چشم پوشی نمود. شاید اینگونه به نظر آید، با توجه به شرایطی که بیان گردید، اولاً؛ امروزه استفاده از قسامه برای اثبات قتل، تقریباً امری غیرممکن است. ثانیاً؛ اثبات قصاص با این روش امری بعید است؛ به خصوص آنکه نظر به وجود اختلافات فقهی، بیگمان از موارد شبهه است و شمول قاعده در آن، نسبت به موارد قصاص خالی از توجیه نیست و به هر حال مقتضای اصل احتیاط در دماء، عدم قصاص است. نتیجتاً قادر می باشیم که از دلیل های علمی که تحت عنوان اماره در علم قاضی مفروض می باشند و ماحصل آن آزمایش ها موثق است بکارگیری کرد. با این توصیف؛ از آنجا که احترام به حقوق انسانی و حفظ خون مسلمان مستلزم اعمال حاکمیت حقوق بشر و پایبندی به اصول عدالت در دستگاه قضائی می باشد، اجرای احکام بدون دلیل قانونی کافی و مدارک معتبر و مستند، مغایر با شریعت مبین اسلام می باشد. امروزه با پیشرفت فناوری و بکارگیری یافته های علوم جرم شناختی و طرق نوین جرم یابی، چالش های صحت سنجی ادله سنتی همانند اقرار و بینه به مراتب کاهش یافته و به نوعی می توان اینگونه بیان نمود که شبهات پیرامون کشف قتل های مخفیانه با یاری رسانی ادله نوین به ادله سنتی تا حدود زیادی کاهش یافته است.

فهرست منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ق). من لایحضره الفقیه. ج ۱. قم: مرکز انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.
- اکبری، بهنام و انصاری مقدم، حامد. (۱۳۹۱). اماره قانونی در حقوق کیفری. نشریه دانش و پژوهش حقوقی، دوره اول، شماره ۱، ص ۱۸۱-۱۴۳.
- اکبری، عباسعلی و مال میر، محمود. (۱۳۹۶). جایگاه اماره مجرمیت در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی. فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب. سال دهم. شماره ۲. ۱۱-۳۶.
- آشوری، محمد. (۱۳۸۹). آیین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات سمت.
- بهرامی، بهرام. (۱۳۹۲). بایسته های ادله اثبات دعاوی حقوقی و کیفری تهران: انتشارات نگاه بینه.
- تدین، عباس. (۱۳۸۸). گستره دلیل در دادرسی کیفری ایران و فرانسه. مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۳، شماره ۶۷، ص ۸۸-۸۸.
- ۵۵
- جدیدی سرای، سلیمان و انصاری، ولی الله و کلانتری درونکلا، کیومرث. (۱۴۰۱). تعارض قسامه با اصل برائت در ق.م.ا و امکان سنجی تعدیل ضمانت اجرای آن در پرتو ادله علمی و فقهی. فصلنامه علمی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب. دوره ۱۵. شماره ۴. ۶۱-۷۸.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۶). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
- حر العاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- حسینی، زهرا. (۱۳۸۸). تبیین منطقی لوث و نحوه استفاده از قسامه در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تبریز.
- حقیقت پور، حسین، فخلعی، محمدتقی، ناصری مقدم، حسین و همکاران. (۱۳۹۴). نقدی بر نظریه فقهی کفایت پنجاه سوگند توسط مدعی در قسامه (مبانی فقهی ماده ۳۷۷ لایحه قانون مجازات سال ۱۳۹۰). فصلنامه علمی فقه و اصول، دوره ۴۷، شماره ۱۰۰، ص ۷۵-۹۱.
- حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۲ ق). شرایع الاسلام. نجف: مطبعه الادب.
- رازی زاده، محمدعلی. (۱۳۸۰). قسامه در نظام قضایی اسلام. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی. (۱۴۰۹ ق). الفقه الاسلامی و ادلته. دمشق: انتشارات دارالفکر.
- طریحی، فخرالدین. (۱۴۱۶ ق). مجمع البحرین. تهران: چاپ مرتضوی.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۳). ادله اثبات دعوا. تهران: نشر میزان.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۴۰۶ ق). قواعد فقه (بخش جزایی). تهران: انتشارات علوم اسلامی.
- مظفر، محمد رضا. (۱۳۸۷). اصول الفقه. قم: انتشارات بوستان کتاب.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۰ ق). القواعد الفقهیه. قم: انتشارات مؤسسه امام علی بن ابیطالب (ع).

موسوی بروجردی، سید محمود. (۱۳۷۲). القواعد فقهیه. تهران: نشر میعاد.

میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۹۴). جرائم علیه اشخاص. تهران: نشر میزان.

ناظریان، محمدقاسم و محمدی‌نیا، امید. (۱۳۹۹). مبانی فقهی قسامه و نحوه اجرای آن در حقوق موضوعه ایران، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل. دوره ۱۳، شماره ۴۸، ص ۱۸۵-۱۹۹

نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۲ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: نشر دار إحياء التراث العربی.